

از بدی و اذیت شب که در آید، و ماه که بر آید) - * ۴ - وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ . واز شرّ (جادوگران) ودمندگان در گره ها - * ۵ - وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ . واز شرّ چشم بدنیست بدخواه که بدخواهد ویا از رشک بد بنگرد!

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، نام خداوندی است که طوق پادش در گردن احباب، و آشباح مریدان زیر شکوه عزتشن خراب، و بس جگرها که در آتش دوستی او کیاب است و بسا عزیز که به دل می سوزد و به تن در عذاب است و بسا مشتاقان که در بادیه طلب، در آرزوی یک چکه آب است او از دور پنداشت که آبست چون رسید دید سراب است!

منزل گه عشق تو دل احباب است در قصه عشق تو هزاران باب است

۱- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ . آیه . راه همه پندگان آنست که پیوسته از شرّ بدان و آسیب مکاران و حسد حسودان و بد افتاد جهان، استعاذت به خدا می کنند و به او پناه می برند . این طریقه عامه مؤمنان است که ظاهر شرع به کار داشتن و هنگام بلا دست به دعا برداشتن و از حضرت حق عاقبت خواستن است .
اما راه جوان مردان طریقت و ارباب حقیقت، تسلیم و رضا است و گویند: تدبیر کار با خداوند گار گذار، و از راه اعتراض بر خیز و او را وکیل و کفیل و کارساز خوددان، زیرا در هر دل که تسلیم و رضا جمع شد، تنوی قرین سلامت گشت .

تسلیم، درجه ذبیح و خلیل است که پسر به تعلیم پدر جامه تسلیم پوشید و فدائی او رسید و رضا آنست که بنده ای بر پسند باشی و به هر چه روی دهد خرسند و منتظر قضای خداوند باشی . و نیز گفته اند: تسلیم آنست که کار آفریده به آفریدگار باز گذاری!

خود تن به قضا درده و خود ستر کش باش جز آن تپوّد که تو نخواهی، خوش باش .

سوره - ۱۱۴ - ناس - ۶ - آیه - مدنی - جز و ۳۰

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان :

- ۱- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . بگو (ای محمد) پناه می برم (فریاد خواهم) به خدای مردمان (۱) .
- * ۲- مَلِكِ النَّاسِ . پادشاه مردمان (خدای یکتا) - * ۳- إِلَهِ النَّاسِ . خداوند مردمان (خدای یگانه)
- * ۴- مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ . از بد و سواس شیطان خبیث که پنهانی (و در خواب) به دلها می افکند .
- * ۵- الَّذِي يُوسَسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ . آنکه و سوسه می اندازد در دل مردمان (از دیوها و پریها)!
- * ۶- مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ، از شرّ دیوان و پریان و مردمان (به خدا پناه می برم)

۱- مفسران نوشته اند: تکرار پنج بار کلمه (ناس) در این سوره از باب تکریم آدم است و برخی هر یک از آن کلمه را در مورد طبقات خاص مردم گفته اند: ناس در آیه اول شامل کودکان است (بقرینه پروردگار) در آیه دوم شامل جوانان است (بقرینه پادشاه) در آیه سوم شامل پیران است (بقرینه اله) و چهارم شامل صالحان است (بقرینه شیطان) و پنجم شامل مفسدان است (بقرینه عطف به جن) .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، ای راه طلب حقیقت ، چه راه‌هایی که گامهای دوستان در آن واله و حیران شد ؟ ای آتش محبت حق ! چه آتشی که جانهای عزیزان ، تو را هیزم شد ای قبله بِسْمِ اللَّهِ ، چه قبله‌ای ؟ که هر که روی در تو آورد ، دمار از جان و روانش در آوری آن کدام دل است که آتشخانه حسرت توییست ؟ و آن کدام جان است که در چنگال باز قهر تو نیست ؟

گفتم که : چو زیرم و به دست تو اسیر
بنواز سرا ، مزن تو ای بدر منیر
گفتا که : ز زخم من تو آزار مگیر
در زخمه بود همه نوازیدن زیر ؟

۱- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . (ای محمد) بندگانم را بگو تا چون از شر دیو و مردم پناه ز فریاد خواهند ، از من خواهند و به من پناه آرند ، و به درگاه من گریزند ! که جز درگاه من آنرا پناه‌گاهی نیست ، و مرهم خستگی آنها را جز از فضل ما نیست . هر جا که در عالم درویشی است خسته جبری و درمانده در دست خصمی است ، ما مولای اوئیم ، هر جا خراب عمری ، مفلس روزگاری است ، ما خریدار اوئیم ، هر جا سوخته‌ای ، از خود بیخودی ، بی خبری است ما شادی جان اوئیم ، هر جا از شرم زارنده‌ای و از بی کسی سرفروگذارنده‌ای ، ما رهاننده اوئیم . صفت ما فرش فضل به باد افکندن ، در تربت افلاس نخم برپراکندن ، در بادیه بی خودی ، جری جود کردن ، برب جوی احسان باغ دوستی کاشتن است !

خداوند در این سوره سه جا نام خود را به نام بندگان اضافه کرد :

۱- بِرَبِّ النَّاسِ ، ۲- مَلِكِ النَّاسِ ، ۳- إِلَهِ النَّاسِ . آیه . یعنی دارنده و پروراننده شما منم ، پادشاه و کاردان و کارشناس شما منم ، رهنمای دل گشای شما منم ، گاه گوید : شما بندگان منید ، گاه گوید : من خداوند شما منم ، چه جلالی بالاتر از آنکه خود گوید : شما آن منید و من آن شما . بنده چون بدین مقام رسید قدم بر بساط قرب نهاد و از وسواس ختناس برکنار ماند ! و توفیق موافق و سعادت مساعد او گردد ، دست اغیار از او کوتاه شود ، و وسواس ختناس از شعاع شمع او بگریزد ، سلطان محبت در سرای خاص او نزول کند ، آثار و انوار لطف خدای بر حال او ظاهر گردد ، تا هر که در نیگردد داند که او نواخته فضل او و فروخته لطف او است .

پایان تفسیر جلد دوم

در خاتمه : - سپاس بی کران خداوندی راست که این بنده حقیر فقیر ناچیز را توفیق انجام این خدمت داد خدمتی که جوانان را بهترین رفیق و دلجو و رهنما و پیران را بزرگترین یاد آور و دل گشا است . امید که برادران ایرانی و اسلامی از این اثر نفیس هر کس بفرخور فهم و حوصله خود استفاده کنند و از خزانه ادب و عرفان آن بهره‌مند گردند ، و این بنده ناچیز را به دعای خیر یاد نمایند .

در اینجا از کسانی که در این خدمت بی ریا باینده همراهی کردند چه کارکنان سازمان چاپ دانشگاه تهران که اهتمام در چاپ و تصحیح آن کردند و چه کارکنان کتابفروشی اقبال مخصوصاً آقای جواد اقبال که در تهیه و تنظیم نشر آن اقدام نمودند ، سپاس گزارم و امیدوارم همگی در ثواب این کار صواب شریک باشند .

فروردین ۱۳۴۹ - حبیب‌الله آموزگار